

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

شباهنګ راد
۰۶ می ۲۰۱۳

پاسخ چیست؟

جهان سرمایه‌داری و رژیم وابسته‌ای همچون جمهوری اسلامی، زندگی و آسایش ابتدائی محروم‌ترین اقشار جامعه را سلب نموده‌اند. دنیا و به تبع آن جامعه ایران، غرق در بحران و افت است. گواه تاریخ و گواه زندگانی وخیم سازندگان اصلی جوامع بشری، این واقعیات را در مقابل دنیای انسانی قرار می‌دهد که حرکت گام به‌گام و مسیر انتخابی حاکمان، در خدمت به حفظ طبقه بالائی‌هاست. نمایان‌گر این واقعیات است که سرمایه‌داران سیاست‌شان را بر مبنای چپاول و غارت اموال عمومی پی ریخته‌اند و با شتاب هر چه بیش‌تری به پیش می‌روند.

جانین بشریت جهان کنونی را دو نیمه نموده‌اند؛ جهانی که در یکسوی آن ضد انقلاب و دار و دسته‌هایش قرار گرفته‌اند و می‌خورند و می‌برند و در سوی دیگر آن میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش و فرزندان‌شان که فاقد پائین‌ترین امکانات اجتماعی و زیستی‌اند؛ در این میان یکی ثروت‌مندتر می‌شود و دیگری فقیرتر. به بیانی شکاف طبقاتی قابل توصیف نیست و سرمایه‌داران جان توده را به لب‌شان رسانده‌اند و چشم‌اندازی برای بهبودی وضعیت زندگی بهتر محرومان نیست. تعرض افسار گسیخته به معیشت کارگران و زحمت‌کشان در این روزها هم، به رویه واحد سرمایه‌داران جهانی و همه وابستگان‌شان تبدیل گردیده است.

در حقیقت حاکمان و زورگویان جنگ دهشتناک و شرایط غم‌انگیزی را در مقابل توده‌های ستم‌دیده قرار داده‌اند و تاکنون هزینه‌های بس عظیمی از پائینی‌ها گرفته‌اند. حیات آدمی به لحظه‌ها گره خورده است و توازن قواء – و علی‌رغم کمیت نیروی حاکمان – همچنان به نفع طبقه بالائی‌هاست. درآمدهای جامعه در جیب و در کیسه‌های سرمایه‌داران تلنبار شده است و در عوض توده، از سر نداری با فقر و مرگ، دست و پنجه نرم می‌کند. به بهانه وفاداری به آرمان و منافع کارگران و زحمت‌کشان، جنگ به راه می‌اندازند؛ به بهانه مبارزه با اجحاف و مفسدان اقتصادی قربانیان نظام را در خیابان‌ها و دیگر میادین سرکوب، می‌گردانند و درازکش می‌کنند. این سیاست و رویه، دین و رنگ و پوست، مرز و جغرافیا نمی‌شناسد و به کارکرد واحد طبقه سرمایه‌داری در اقصی نقاط دنیا تبدیل گشته است. به راستی که پاسخ عملی کمونیست مدعی برقراری دنیای فارغ از استثمار و بردگی در چیست و چگونه می‌توان میلیون‌ها انسان را از زیر مصائب دست‌ساز سرمایه‌داران جهانی و وابستگانی همچون سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نجات داد؟ چگونه می‌توان توازن قواء را در هم ریخت و بساط کنونی را از ریشه سوزاند و چرخه جامعه را به سمت منافع کارگران و زحمت‌کشان گرداند؟

مسئلاً، ابهامی در شناخت پایه‌ای و به تبع آن در چگونگی تغییر اوضاع کنونی نیست. به طور قطع آرمان و ایدئولوژی کمونیستی پاسخ در خور شایسته و روشنی در برابر سیاست‌های استثمار و سرکوب‌گرانه سرمایه‌داران داده است. تکالیف نوشتاری، مبهم، گنگ و نامعین نیست و ایراد اساسی کار، در بی‌باوری عمیق کمونیست‌ها از انجام وظایف عملی است. ابهام و اشکال کار، در کتمان موقعیت خودی و آن‌هم به‌عنوان سازمان و حزب عمل‌گرای کمونیستی است. به عبارتی واقعی‌تر حوزه عملی جبهه ضد انقلاب روشن است و در عوض، مکان واقعی و جبهه سازمان‌های مدافع انقلاب، مبهم و نامعین است. به عنوان نمونه رژیم جمهوری اسلامی جدا از اتخاذ و تداوم سیاست‌های خانه خراب‌کن اقتصادی، عملاً جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ئی را از طرح خواسته‌های ابتدائی‌شان - و آن‌هم به‌گونه وحشیانه - پس می‌زند و در مقابل چپ مدعی نابودی نظام، فاقد خط عملی روشن می‌باشد. چنین وضعیت تأسف‌بار و شرایط غم‌انگیزی قابل کتمان نیست و دهه‌هاست که جامعه ایران با چنین وضعیتی روبه روست و دهه‌هاست که توده، به سهم و توان خود، حاکمان کنونی را به مصاف می‌طلبد. بازندگی عجیب و غریبی بر فضای جامعه ایران سایه انداخته است و به استناد نبردها و بی‌ثمری‌های تاکتونی، می‌توان بر این امر اذعان نمود که چگونه سرمایه‌داران وابسته بدون دخالت‌گری نیروهای مدافع کارگران و زحمت‌کشان سیاست‌های ارتجاعی خود را به مردم و به جامعه تحمیل می‌کنند.

متأسفانه همه جوامع و از جمله جامعه ایران یکنواخت شده است. آیا به غیر از این است که پاسخ و علاج چنین وضعیت تأسف‌باری تماماً بر دوش کمونیست‌هاست؟ آیا به غیر از این است که بر دوش کسانی قرار گرفته است که بنای دنیای انسانی و بنای جامعه‌ای فارغ از تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان را در سر می‌پروانند؟ آیا به غیر از این است که بر شانه کسانی قرار گرفته است که منفعت توده‌ها را مقدم بر منفعت سازمانی - فردی دانسته و از انجام وظایف عملی، کمترین تردید و ملاحظه کاری‌های سیاسی - تشکیلاتی ندارند؟ شکی در آن نیست که پیشرفت هر انقلابی و به ویژه انقلاب ایران نیاز به بُرش و حقیقت‌گویی کمونیستی دارد؛ نیاز به حضور و دخالت‌گری کمونیست‌ها دارد و نیاز به آن است تا در مقابل نظام جمهوری اسلامی قد علم نمود. معین است که دلیل حیات تاکتونی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در بی‌حضوری سازمان‌های کمونیستی نهفته می‌باشد و بی دلیل هم نیست که توده از میداین متفاوت نابرابر، سر خورده و بازنده بیرون به در می‌آید؛ بی دلیل نیست که چنین فقدان و خلاء عظیمی مسیر انقلاب را از روند حقیقی خود باز می‌دارد و مدافعان نظام‌های سرمایه‌داری جامعه و روحیه اعتراضی مردمی را در جهت اهداف طبقه سرمایه‌داری کانالیزه می‌نمایند. مهمتر از همه این‌ها بی دلیل هم نیست که ناجیان سرمایه‌داری دیروزی و دائمی، به "قهرمانان" امروزی نجات مردم از شر استبداد و استثمار نظام‌های امپریالیستی تبدیل گردیده‌اند!! غیر واقعی‌ترین، گمراه‌ترین و بی‌محتواترین سیاستی که این‌روزها، گریبان تمامی جوامع بشری و از جمله جامعه ایران را در بر گرفته است.

آری، اوضاع کنونی زندگانی میلیون‌ها توده رنج‌دیده دهشتناک است و جانیان بشریت، میدان و فضای را رقم زده‌اند که مردم در حسرت امنیت و آسایش، ساعات و روزهای گذشته خویش‌اند. تصاویر، تفاسیر و مصاحبه‌های رادیو و تلویزیونی از قربانیان نظام‌های امپریالیستی در اقصی نقاط دنیا و به ویژه در میداین جنگی هم‌چون عراق، افغانستان، لیبیا و سوریه و غیره، گواه این حقیقت است که سیاست‌های انتخابی قدرت‌مداران بزرگ، در خدمت به مسیر تنگنایی هر چه بیش‌تر جانی - مالی کارگران و زحمت‌کشان است و خلاف "نادانان" انقلاب، در انتظار نشستن ورود هر جامعه به وضعیت جنگی از نوع جنگ‌های عراق، سوریه و غیره، چیزی جز، ورود به گستردگی نامنی و تخریب زندگانی هر چه بیش‌تر توده‌های محروم نیست. این انتخاب سرمایه‌داران جهانی و انتخاب مدافعان

منطقه‌ای و محلی آنان است؛ این انتخاب و خواست باطنی محرومان و قربانیان نظام نیست و چنین انتخابی را باید با انتخاب آگاهانه‌ی کمونیستی تغییر داد و همچنین به سهم خود تلاش نمود تا دامنه‌ی اجرای چنین سیاست شومی را تنگ و تنگتر نمود.

بنابراین برای بر چیدن بساط ظلم و تباهی، و برای به زیر کشیدن حکومت منفعت‌طلبان و سرکوب‌گران، لازم است تا توپ را در میدان و در زمین سران رژیم جمهوری اسلامی انداخت و تمامی ورودی آنان، به میدان و به جان و مال توده‌های ستمدیده را بست. تنها با اتخاذ چنین سیاست و با انجام وظایف عملی روزمره در مقابل ارگان‌های سرکوبگر نظام است که می‌توان سران حکومت را پس زد و نوید جامعه‌ای عاری از ظلم و تباهی را سر داد. این یگانه پاسخ و در حقیقت همه‌ی وظایفی است که بر گرده‌ی سازمان و حزب مدعی منافع کارگران و زحمت‌کشان قرار گرفته است. پر واضح است تا زمانی که میدان، برای امنیت جانی – مالی سرمایه‌داران وابسته ناامن نگردد؛ تا زمانی که آرمان کمونیستی و آن هم به طور عملی در مقابل ایدئولوژی سرمایه‌داری به صف نشود، پیروزی و رهائی توده‌ها از زیر سلطه‌ی نظام‌های سرکوبگر، و همچنین برافراشتن پرچم کمونیستی در جوامع بشری و به ویژه در جامعه‌ی ایران، ناممکن می‌باشد.

مه ۲۰۱۳

برگرفته از نشریه پیام سیاهکل شماره پانزده